

بیا و نام خدا

اصطلاحات بیگانه ی رایج در زبان مردم مسجدسلیمان



تویزر



گیج



اوا میتر



گردآوری کننده : هوشنگ بهرامی

اصطلاحات بیگانه ی رایج در زبان مردم مسجدسلیمان

با یاد و نام خدا

ما ایرانیها در برخورد باواژه های بیگانه خصوصا در شرایطی که تحت فشار هم باشیم، بسیار مهمان نواز! هستیم و به راحتی این کلمات را پذیرفته و با آنها همانند واژه های فارسی رفتار می کنیم، کافی است به لغات عربی، انگلیسی، هندی، ترکی و ... که وارد زبان فارسی شده توجه کنید تا به صحت این مطلب پی ببرید.

بر اثر اقامت طولانی خارجیها و خصوصا انگلیسیها در مسجدسلیمان و انضباط خاصی که در شرکت نفت ایجاد کرده بودند، لغات و اصطلاحات زیادی در زبان و گویش مردم وارد شد که بسیاری از آنها هنوز هم مورد استفاده قرار می گیرند، برخی کمتر استفاده می شوند و بعضی هم فراموش شده اند. بسیاری از این کلمات تنها در محدوده ی کار در شرکت نفت و برخی هم در زندگی روزمره ی مردم عادی به کار گرفته شدند و در این رهگذر با توجه به گویش مردم، دچار تغییراتی هم گردیدند مانند کلمه ی آفیس که در زبان محاوره ای به هفیز هم تغییر شکل پیدا کرد. نام برخی محلات از شماره ی چاه های نفت گرفته شده مانند نمره یک، نمره هشت، نمره یازده و چاهها با ذکر شماره ی آنها به خاطر آورده می شد مانند چاههای اف تری (F3) و یا چاه ام تری (M30). لازم به ذکر است که کلمات بیگانه ای که به زبان فارسی وارد شده اند بسیار زیاد بوده و شاید نتوان آنها را از لغات فارسی تفکیک کرد ولی در این مجموعه، اصطلاحاتی که فقط در بین کارکنان شرکت نفت و به تدریج در بین مردم عادی در منطقه ی مسجدسلیمان رواج یافته است، ذکر می گردند. لازم به ذکر است که علاوه بر انگلیسی، کلماتی از زبانهای دیگر چون عربی و ترکی نیز بر اثر اقامت کارکنان غیربومی وارد زبان مردم مسجدسلیمان گردیده است.

تعدادی از این کلمات نام قطعات اتومبیل هستند که در سراسر کشور استفاده می شوند ولی برخی از آنها با شکل خاصی در گویش محلی مردم مسجدسلیمان وارد شده اند. بسیاری از این اصطلاحات در سالهای اخیر یا معادل سازی شده و یا صحیح تلفظ می شوند. در این زمینه معنی کلمه ی گاز را نفهیدیم. چرا زمان رانندگی می گویند گاز بده و اصولا وجه تسمیه ی پدال گاز چیست؟ یا چرا بنزین زدن؟ دو اصطلاح را به کرات از کارگران قدیمی شنیده ام که متأسفانه تلفظ صحیح و معنی آنها را نیافتم، سیپس و منتس. اولی را معمولا در مقابل پوردکشن یا بهره برداری استفاده می کردند و دومی فکر کنم (MAINTENANCE) باشد که معنی تعمیر و نگهداری می دهد. یا برخی کارکنان قدیمی به جای قفل کردن درب می گفتند: در را پرکن و یا کیپ کن که نتوانستم دلیل استفاده از این واژه ها را بیابم. برخی واژه ها را ذکر نکردم مانند نام وسایل آرایشی و یا اصطلاحاتی در این زمینه که در آن زمان مختص طبقه ی خاصی از مردم بودند مانند ماتیک، مانیکورو دکله. یا نام برخی داروها مانند اکسید دو زنگ و پرمنگات و یا اصطلاحات پزشکی چون واکسیناسیون که به همین شکل وارد گویش مردم شده اند. کلماتی هم بودند که در اصل در زمره ی اصوات هستند مانند اصطلاح تک تکو که در آن زمان به موتوسیکلتیهای اطلاق می شد که در اختیار شرکت نفت بود. این موتوسیکلتها دارای یک موتور دوزمانه ی بسیار قوی بود و به علت نداشتن آگروز مناسب، صدای انفجار بنزین درون سیلندر با نظم خاصی (تک تک) کاملا به گوش می رسید و به همین علت تک تکو نامیده شدند. هنوز هم اصطلاحاتی چون ساکشن تیوب و سیفتی باکس در بیمارستان شرکت نفت مسجدسلیمان استفاده می گردد.

شاید برخی از این واژه ها مانند سینما کمی زودتر وارد ایران شده باشد (در زمان قاجاریه) ولی مطمئن باشید گسترش و رواج آنها به دوران نفت برمی گردد. بسیاری اصطلاحات ورزشی خصوصا فوتبال ابتدا در مسجدسلیمان و سپس در دیگر شهرهای خوزستان و بعد در سراسر ایران گسترش یافت ولی چون در ارتباط با کار در شرکت نفت نبود از ذکر آنها خودداری شد. نکته ی مهمتر این که شاید بسیاری اصطلاحات و واژه های انگلیسی در سالهای دورتری به ایران وارد شده باشند، ولی با قاطعیت می توان گفت، تمامی کلمات بیگانه ای که مورد استفاده ی ساکنان مسجدسلیمان قرار گرفته اند پس از پیدایش نفت در زبان و گویش مردم این شهر وارد شده اند.

احتمال دارد بعضی عزیزان بر من خرده بگیرند که ارتباط ایران با کشورهای اروپایی به سالها قبل از نفت برمی گردد و این همه تاکید بر اصطلاحات ضروری نیست. این انتقاد پذیرفتنی است با ذکر این نکته که ارتباطات گذشته ی ایران و اروپا، ارتباط سیاسی بوده و هیچ مستشار خارجی با مردم عادی حشرونشری نداشته و اگر جهانگردی هم به میان مردم عادی آمده، در نهایت اصطلاح آبابینی شما فربه است؟ (دماغتان چاق است؟) را به عنوان یک احوالپرسی ساده ترجمه کرده و با خود به اروپا برده است. از این گذشته مردم عادی کوچ و بازار همانند کارگران نیازمند و بیسواد شرکت نفت، احتیاجی نداشته که با این مستشاران ارتباط داشته و زبان آنان را یاد بگیرند.

کلماتی که در این مجموعه معرفی می شوند دارای يك وجه اشتراك هستند یعنی همه ی آنها به نوعی با شرکت نفت ارتباط دارند، یا اصطلاحات فنی بوده اند که ضمن کار مورد استفاده کارکنان و سپس مردم عادی قرار گرفته اند و یا اصطلاحات غیرفنی که به تدریج رایج گشته و وارد زبان مردم شده اند و کارگران معمولا بیسواد آن زمان، تلفظ مسئولین را مانند وحی منزل پذیرفته و بین خود رواج داده اند. برخی از این لغات مستقیما از زبان انگلیسی وارد گویش مردم نشده اند بلکه ابتدا به زبان عربی وارد شده و پس از آنکه طبق معمول عرب زبانها تغییراتی در آنها داده شد، به وسیله ی کارکنان غیربومی ساکن در مسجدسلیمان بین مردم رایج گردیده اند مانند گراج و مکینه- ای کاش ما هم در ارتباط با زبان همین گونه عمل می کردیم- . برخی از این واژه ها تنها در محدوده ی کار شرکت نفت باقی ماندند و برخی نیز به صورت گسترده مورد استفاده ی عوام قرار گرفتند.

علاوه بر واژه های انگلیسی که مستقیماً و یا از طریق زبان عربی وارد زبان بختیاری (زبان و گویش مردم مسجدسلیمان) شده اند، چون تعدادی کارکنان از دیگر اقوام و ملل در مسجدسلیمان به کار اشتغال داشتند، برخی اصطلاحات نیز از زبانهای چون عربی، ترکی و ارمنی به زبان مردم این منطقه وارد شده اند که این کلمات نیز ذکر می گردند.

اما چرا برخی واژه ها دارای تلفظ مختلف هستند؟ دلایل متعددی برای اختلاف تلفظ واژه ها وجود دارد از جمله این که، انگلیسی ها سریع صحبت می کرده و دارای لهجه های مختلف بوده و حتی برخی لکننت زبان داشته اند که بر نحوه ی تلفظ آنها اثر می گذاشت. مسئولین که برخی از آنها که غیرانگلیسی از جمله هندی و ارمنی هم بودند تکیه کلام خاص داشته و ممکن است مشکل تلفظی و یا نقص بدنی داشته که نوع تلفظ آنها متأثر از موارد ذکر شده بوده است. اما کارکنان ایرانی تلفظ آنها را عیناً تکرار کرده و یاد گرفته اند. نکته ی دیگر این که احتمال دارد کسی که ما واژه را از او شنیده ایم، اشتباه یاد گرفته و یا اشکال تلفظی داشته است.

برخی اصطلاحات نیز هستند که تنها در بین بختیاری های مقیم مسجدسلیمان رایج شده اند. این واژه ها احتمالاً از زبان انگلیسی وارد زبان محلی شده و قابل تشخیص هم نیستند مانند :

شیره لره = پاره پاره ، احتمالاً اصل واژه (SHREDDER) باشد.

لال بهیگ = عروسک

لر = با کسره ی کشیده ی حرف لام ، محل نگهداشتن حیوانات (LAIR) . در زبان بختیاری کلماتی چون تیز، شیر و... تلفظی شبیه به مهر دارند با این تفاوت که حرف ه تلفظ نمی شود. واژه ی لیر به همین شکل در زبان بختیاری تلفظ می شود.

واژه ها همانگونه که در بین مردم عادی استفاده شده و به ترتیب الفبایی درج گردیده و سعی شده تلفظ عامیانه ی لغات را نیز آنچنان که در زبان محاوره ای مردم آمده، با صدای حروف نشان داده و در این امر تنها در ارتباط با صدای ای در کلماتی چون دی یا نی مشکل وجود داشت که در این موارد هم حرف قبل از ی با کسره آورده شده اند- همانند روش اشتباهی که متأسفانه در تمام فرهنگ های لغت هم استفاده شده، نویسنده هم به غلط مصطلح متوسل شده است- مانند : دی با کسره ی حرف دال دهمین ماه سال شمسی. علاوه بر این هر جا امکان داشته معادل انگلیسی کلمات و اصطلاحات نیز یافته و ذکر شده اند. ریشه ی برخی واژه ها هم پیدا نشده اند مانند قماره با ضمه ی حرف قاف یعنی دکه ی کوچک- که هنوز هم استفاده می شود-

در ابتدا تعداد واژه ها کم بود ولی بتدریج و در گفتگو با افراد مسن و کارکنان قدیمی اصطلاحات بیشتری یافته و به مجموعه اضافه گردید، نکاتی از کتاب تاریخ مسجدسلیمان و اصطلاحاتی نیز از مقاله ی یکی از همشهری های مسجدسلیمانی به نام خانم ذوالفقاری با اجازه ی خودشان ذکر گردید. چند اصطلاح نیز از مقاله ی نشریه ی مشعل به قلم آقای محمدرضا دادگر نقل شد. هنوز هم لغات و اصطلاحات زیادی وجود دارند که امید است افرادی که اطلاعاتی دارند از یادآوری دریغ نفرمایند.

برای یافتن واژه ها علاوه بر اطلاعات خودم که حدود نیم قرن در مسجدسلیمان زندگی کرده ام، پدرم از کارکنان قدیمی شرکت نفت بوده و خودم نیز به خاطر شغل معلمی با افراد زیادی از اقشار مختلف ارتباط داشته ام، در جندین نوبت با افراد مسن و کارکنان قدیمی شرکت نفت صحبت شد و نکاتی نیز از نوشته هایی که هنوز در ادارات مختلف شرکت ملی نفت ایران منطقه ی مسجدسلیمان وجود دارند- خصوصاً در بیمارستان شرکت نفت- استخراج گردید. گوش دادن به خاطرات افراد قدیمی و حتی رانندگان تاکسی که سن بیشتری دارند، نکات زیادی را به دست داد زیرا که خاطراتی که مردم از گذشته دارند نکات تاریخی و مهمی را به دست می دهد که در هیچ تاریخ و یا نوشته ی مدونی نمی توان یافت.

لازم به ذکر است که اینگونه اصطلاحات در تمام مناطقی که شرکت نفت فعالیت داشته به زبان مردم محلی وارد شده اند مانند آغاچاری، ماهشهر، هفتکل، آبادان، خرمشهر و...، که زمینه ی مناسبی را برای افراد علاقمند به این گونه فعالیتها فراهم می نماید.

اصطلاحات

آپارات = دستگاه نمایش فیلم.

آپاراتچی = به کسی که فیلم را نمایش می داد آپاراتچی می گفتند.

آپریتور = با کسره ی حروف پ ، ر و ت ، متصدی ، متصدی ماشین یا دستگاه (OPERATOR) .

آف = خاموش کردن لامپ یا وسایل برقی (OFF) .

آف = زمان استراحت کارگران نوبت کار (OFF) .

آکانتنسی = حسابداری (ACCOUNTANCY) . خاطرات اولین کارگرایرانی داری به نقل از نفت نیوز.

آکانتینگ = حسابداری (ACCOUNTING) . نقل از منبع بالا.

آکبند = با فتحه ی حرف ب ، کامل ، دست نخورده، جنس دست اول ، گاهی آک هم گفته می شد . این واژه ها به همان معنی و همان

تلفظ هنوز هم استفاده می شود.

آکی = خوب ، عالی (OK - OKAY) . شاید بعد از هلو معروفترین اصطلاح انگلیسی در تمام دنیا باشد.

آلموتور = میلگرد که در بتون آرمه و یا در جوشکاری به کار می رود.

آلمیجر = با کسره ی حرف چ ، سیم پیچ درون ژنراتورها و با موتورهای الکتریکی که نیروی الکتریسته در آن جریان می یابد (ARMATURE) .

آمپر = واحد شدت جریان برق (AMPERE) .

آمپر = به نشانگرهای درون کنترل پنل اتوموبیل گفته می شود مانند آمپر بنزین و

آمپراج = میزان شدت جریان برق بر اساس آمپر (AMPERAGE) .

آمپول = وسیله ی تزریق دارو به بدن (AMPUL or AMPULE) .

آمونیاک =

آن = روشن کردن لامپ یا دیگر وسایل برقی (ON) . برخی با ضمه ی الف هم تلفظ می کردند.

آنتن = وسیله ی موج گیر در رادیو و تلویزیون (ANTENNA) .

آن کال = کارکنانی که طبق برنامه ی تعیین شده بایستی آماده باشند تا در زمان نیاز ، در محل کار حاضر شوند (ON CALL) .

آنوس = معرفی فیلمهای بعدی با نمایش قسمتهایی از آنها . انونس (ANNOUNCE) .

آوارتیم = با کسره ی حرف ت ، اضافه کار (OVERTIME) . برخی کارگران آوارتیم هم تلفظ می کردند.

آوانس = موقعیت ، معمولا به امتیاز بی دلیلی گفته می شد که کسی به دیگری می داد (ADVANCE) .

آوانس = پیش برق ، از اصطلاحات برق خودرو.

آیل = با سکون حرف ی ، روغن موتور ، به معنی بنزین هم بوده است (OIL) .

آیل پمپ = پمپ روغن خودرو (OIL PUMP) .

ابسنت = با فتحه ی الف و کسره ی سین ، غایب ، غیبت (ABSENT) .

اتوکلاو = دستگاهی برای استریل کردن وسایل پزشکی به کمک حرارت.

اتوماتیک = خودکار (AUTOMATIC) .

اتیکت = با کسره ی حروف الف و کاف ، برچسب ، علامت.

ارت = با کسره ی حرف الف ، زمین ، به سیم اتصال بدنه ی وسایل برقی گفته می شد (EARTH) .

ارجن = با فتحه ی الف و کسره ی جیم ، تند ، سریع (URJENT) .

ارجانسی = با ضمه ی حرف الف ، فوری ، اورژانسی (EMERGENCY) .

ارد = با ضمه ی حرف الف ، دستور (ORDER) .

ارکاندیشن = با کسره ی حرف الف ، دستگاه تهویه ی مطبوع (AIR CONDITIONER) .

ارکست = با ضمه ی حرف الف و کسره ی حرف کاف ، ارکستر ، هرازگاهی شرکت نفت از گروههای هنری ! و خوانندگان زن و مرد

دعوت می کرد تا در باشگاههای شهر برنامه اجرا کنند (ORKESTER) .

ارینگ = با ضمه ی حرف الف ، واشر (O RING) .

اس پس = با کسره ی حروف الف و پ ، آنچه امروزه به عنوان ورقه های ایرانیت برای مسقف کردن اماکن و سوله ها استفاده می شود

احتمالا (ASBESTON) .

اسپانه = با کسره ی حرف الف ، آچار (spanner) . چون انگلیسی ها صدای آخر را تلفظ نمی کردند به

همان شکل مورد استفاده قرار گرفته است .

اسپر = با کسره ی حروف الف و پ ، به معنی یدکی و اضافه (SPARE) .

اسپری = (SPRAY) .

اسپکتر = با کسره ی حروف الف و ت ، فتحه ی حرف پ ، ، بازرس . مامور مخصوص حراست شرکت نفت که در تریلیهای نفربر

شرکت نفت (کمرشکن ها) دانش آموزان را سواری پیاده می کرد و مسئول حفظ نظم بود . احتمالا اینسپکتر (INSPECTOR) .

اسپلیت = به سوپروایزر بیمارستان گفته می شود . چون کار او تقسیم وظایف پرستاران است به این نام نامیده شده است (SPLIT) .

استمپ = با کسره ی حرف الف و فتحه ی حرف ت ، استامپ .

استارت = با کسره ی حرف الف ، شروع ، به وسیله ی روشن کردن موتور هم گفته می شود (START) .

استاف = با کسره ی حرف الف ، کارمند (STAFF) . اولین واژه ای که معادل فارسی آن خیلی زود مورد استفاده قرار گرفت.

استر = با ضمه ی حروف الف و ت ، فروشگاه (STORE) . فروشگاه مرکزی شرکت نفت در محله ی انبارخواری مورد نظر بود.

استریل = استریلیزه کردن، از بین بردن میکروباها و عوامل بیماری زا توسط حرارت (STRILE) .

- استمبایی = با کسره ی حرف الف و فتحه ی حرف ت ، به کسی گفته می شد که برای انجام کار باید آماده باشد احتمالاً استندبای (STANDBY).
- استپ = با کسره ی حرف الف و ضمه ی حرف ت ، توقف ، ایست (STOP).
- استپ = با کسره ی حرف الف و ضمه ی حرف ت ، به تکه ای در زیر پای راننده گفته می شد که با آن از نور بالا و پایین لامپهای خودرو استفاده می کرد که در خودروهای جدید روی دسته ی راهنما قرار دارد.
- استیمنت = با کسره ی حرف الف ، فیش حقوقی (STATEMENT).
- استیل = با کسره ی حرف الف ، فرم ، حالت (STYLE).
- استیل = نوعی فلز (STEEL).
- استیم = با کسره ی حرف الف ، بخار آب (STEAM).
- اسفالت = با کسره ی حرف الف ، آسفالت (ASPHALT).
- اسکاج کرسنت = نام یکی از محلات اعیانی شرکت نفت در مسجدسلیمان.
- اسکراف = با کسره ی حروف الف و کاف ، احتمالاً (SCRAPER). تیغه ی فلزی که در بنایی و نقاشی برای تراشیدن سطوح مختلف به کار می رود.
- اسکرو = با کسره ی حرف الف و ضمه ی حرف کاف ، پیچ (SCREW).
- اسکورو اسپاته = با کسره ی حرف الف ، آچار لوله گیر (ترکیب دو کلمه ی screw و spanner).
- اش تواس = با کسره ی الف . همان اچ تو اس انگلیسی یا گاز هیدروژن سولفور . (SH2 یا H2S).
- اسید = اسید (ACID).
- افریمی = با فتحه ی الف و ر ، محله ای که پشت گاراژ شرکت نفت ، بین باغ ملی و پشت برج قرار دارد. (F. R. And. M. B)
- حروف اول Field Road Maintenance And Building است که نام اداره ی تعمیرات راه و ساختمان منطقه بوده که توسط انگلیسی ها به صورت خلاصه یعنی (اف ، آر ، ام ، اند ، بی) تلفظ شد و بعدها درگوش محلی به افریمی تغییر کرد (تاریخ مسجدسلیمان ، عباسی شهنی دانش ، ص ۳۴۳).
- اک = با فتحه ی حرف الف ، اوه ، وه ، حرف تعجب (ACK).
- اکسل = با فتحه ی حرف الف و کسره ی حرف سین ، محور چرخ خودرو (AXLE).
- اکیپ = با فتحه و کسره ی حرف الف ، گروه ، دسته.
- اکزوز = لوله ی خروج دود حاصل از مصرف سوخت از موتور (EXHUST).
- البو = با کسره ی حرف الف ، از وسایل و قطعات لوله کشی ، زانو (ELBOW).
- الکل = با فتحه ی حرف الف و کسره ی حرف لام و ضمه ی حرف کاف ، الکل.
- المنت = با کسره ی الف ، لام و میم ، سیم پیچی از یک نوع فلز دارای مقاومت در برابر الکتریسیته که در آب گرمکن ها و بخاری های برقی برای ایجاد حرارت استفاده می شود.
- ام ای اس = نام اختصاری مسجدسلیمان که از (MASJED . I . SOLEYMAN) گرفته شده است.
- امبلیس = با فتحه ی حرف الف و کسره ی حرف ب ، آمبولانس. در گویش محلی امبلاس هم تلفظ می شد (AMBULANCE).
- ام پی = ماموران اداره ی حراست شرکت نفت (MILITARY POLICE = MP).
- امرجنسی = با کسره ی حروف الف، میم و جیم ، فوری ، غیر منتظره، ضروری (EMERGENCY).
- امشی = با کسره ی حرف الف، (IMSHI) از فرآورده های نفتی که برای راندن مگس و دیگر حشرات به کار می رود.
- انترنش = با فتحه ی حروف الف ، ت و نون ، کامیونها و تریلرهای حمل بار ساخت کارخانه ی اینترنشال، (INTERNATIONAL).
- انتیک = با فتحه ی حرف الف ، بسیار گرانبها ، آنتیک (ANTIQUE).
- انچ = با کسره ی حرف الف ، واحد طول . اینچ (INCH).
- انجین = با فتحه و کسره ی حرف الف ، موتور (ENGINE).
- انسلات = با فتحه ی حروف الف و سین ، به کارگری گفته می شد که بر اثر حادثه ی ناشی از کار قادر به فعالیت نبود و فقط چند روز یک بار به محل معینی مراجعه و خود را معرفی می کرد.
- انگلاره = با فتحه ی حرف الف و کسره ی حروف گاف و ر ، نبشی که در ساختمان سازی یا جوشکاری به کار می رود. در گویش محلی انگلار و انگلان هم تلفظ می شد ، احتمالاً (ANGULAR).
- اوامیتر = با کسره ی حرف الف ، اهم متر (A.V.O METER). در اصل این سه حرف علامت اختصاری سه کلمه ی آمپر (AMPER) ، ولت (VOLT) و اهم (OHM) می باشند و اندازه گیری این کمیتها توسط اهم متر انجام می شود.
- اوپی دی = بخشی از بیمارستان شرکت نفت (O.P.D . احتمالاً OUT - PATIENT DEPARTMENT).
- اورت = با کسره و ضمه ی حرف الف و واو ، به موقعیت عالی گفته می شد مثلاً : وضعیت اورت است یعنی اوضاع تو خیلی خوب و

- عالی است.
- اورلب = اورلب، روی هم افتادن دولبه ی چیزی (OVERLAP).
- اورهول = با فتحه ی حرف الف ، تعمیرات دوره ای و معمولاً سالانه ی واحدها، اورهال (OVERHAUL).
- اولتیماتوم = ضرب الاجل، اتمام حجت ، آخرین پیشنهاد (ULTIMATUM).
- ایشو = به معنی اجازه دادن و تایید کردن یک مورد ، هنوز هم در بخش داروخانه ی بیمارستان شرکت نفت از این واژه استفاده می شود (ISSUE).
- بار = به قسمت فروش مشروبات باشگاهها اطلاق می شد (BAR).
- باقسام = گاهی هم باقسان تلفظ می شد. نان های باگت کوچک و به شکل مربع که در مغازه ها و یا توسط فروشندگان دوره گرد فروخته می شد.
- بالانس = تعادل ، متعادل بودن ، موازنه (BALANCE).
- بالن = با ضمه ی حرف لام ، هواپیما . به فرودگاه جابالن یعنی جای هواپیما گفته می شد.
- باند = نوار مخصوص پانسمان زخم، نوار زخم بندی (BAND).
- بانداز = پانسمان شده ، پانسمان کردن (BANDAGE).
- بای = احتمالاً کلمه ی بوی (BOY) به معنی پسر و خانه شاگرد. بعضی از افرادی که با سمت آشیپوزیا باغبان در منازل خارجی ها کار می کردند، ازاینکه روزی آن کارمند خارجی وی را بوی خودش نامیده است با افتخار یاد می کردند.
- بای بای = خداحافظ ، تکرار کلمه ی انگلیسی بای (BYE).
- بتری = با فتحه ی حرف ب و سکون حرف ت ، باتری (BATTERY) همان تلفظ انگلیسی رایج شده بود .
- بدلر = با ضمه ی حرف ب و کسره ی حرف لام ، آشپز ، (BUTLER).
- برانکار = در اصل برانکار که برای حمل بیمار یا زخمی استفاده می شود (LITTER).
- براوو = با کسره ی حرف ب ، آفرین ، مرحبا ، هورا (BRAVO).
- برك = با فتحه ی حروف ب و ر ، ترمز (BRAKE).
- برکت = با فتحه ی حروف ب و ر و کسره ی حرف کاف ، قلابی که به دیوار کوبیده می شود تا وسیله ای به آن آویزان شود (BRACKET).
- برنال = با ضمه ی حرف ب ، دستگاه برش فلزات (BURNER).
- بس = با فتحه ی حرف ب ، باس ، اتوبوس (BUS). بست با فتحه ی حرف ب هم تلفظ می شده است.
- بسکوت = با کسره ی حرف ب ، بیسکویت . گاهی هم بسکوت تلفظ می شده است.
- بک = با فتحه ی حرف ب ، بک ، عقب (BACK). بیشتر در مورد دنده ی اتومبیل استفاده می شد.
- بک پی = با فتحه ی حرف ب و کسره ی حرف پ ، پرداخت مطالبات قبلی کارکنان (BACK PAY).
- بکسل = با ضمه ی حرف ب و کسره ی حرف سین ، منظور کابل سیمی چند رشته ای قطوری است که با آن وسیله ای را روی زمین کشیده و یا از زمین بلند می کنند.
- بلك لیست = بلك با فتحه ی حرف ب و لام ، لیست سیاه ، اسامی کارکنانی که به هر علت مغضوب مسئولین شرکت نفت قرار می گرفتند.
- بلبرنگ = با ضمه ی اولین حرف ب و کسره ی حروف ب و ر ، چرخ فلزی که روی ساچمه های فلزی کوچکی به آسانی می لغزد (BALL BEARING).
- بلوک = قطعه، بخش (BLOCK).
- بمبو = با فتحه ی ب شیرهای آب عمومی که در بین منازل بیست فوتی و محلات دیگر هم نصب شده بود تا مردم بتوانند از آنها آب گیری کنند (شاید به علت فشار زیاد آب، مخفف کلمه ی بمب آب باشد. برخی معتقدند که پمپو بوده یعنی پمپ آب که به مرور حرف پ به حرف ب تغییر کرده است).
- بند = با کسره ی حرف ب ، کج ، خمیده (BEND).
- بنگله = با فتحه ی حرف ب و کسره ی حروف گاف و لام . ساختمانهای بزرگ، جادار و ویلایی که شرکت نفت به تقلید از ساختمانهای اروپا برای روسا و خصوصاً انگلیسی ها ساخته بود (BUNGALOW).
- بلت = با فتحه ی حرف ب ، تسمه ی موتور (BELT).
- بلت = با کسره ی حرف ب ، کمربند (BELT). املا ی این کلمه با کلمه ی قبلی یکسان است ولی به دو شکل تلفظ می شده اند.
- بلت = با ضمه ی حرف ب و سکون حرف لام ، پیچ (BOLT).
- بلدیزر = با ضمه ی حرف ب و کسره ی حرف ر ، بولدوزر.
- بلوز = با ضمه ی حرف ب ، پیراهن (BLOUSE).

- بندل** = با **ف** **ت** **ح** **ه** ی **ح** **ر** **و** **ف** و **د** **ا** **ل** ، بسته . بیشتر به بسته های اسکناس اطلاق می شد (**BUNDLE**).
- بنزین** = بنزین.
- بوت** = چکمه ، پوتین (**BOOT**).
- بوش** = حلقه ای از فلز مقاوم در برابر سایش که به جای بالبیرینگ در موتورها استفاده می شود . از بوش های فلزی برای تنگ کردن قطر سیلندرهای موتور هم استفاده می شود، غلاف ، پوسته داخلی (**BUSH**).
- بوش** = دنده ی خلاص خودرو . برخی هم **بش** با **ضمه** ی **ح** **ر** **ف** **ب** تلفظ می کردند.
- بوکینگ** = لیست مسافران اعزامی به شهرهای دیگر (هنوز هم استفاده می شود).
- بولینگ** = ورزش بولینگ.
- بی اس نامبر** = شماره پرسنلی هرکدام از کارکنان (**B.S. No**).
- بیس** = با **ک** **س** **ر** **ه** ی **ح** **ر** **ف** **ب** ، پایه و عموماً پایه ی حقوقی مورد نظر بود (**BASE**).
- بیست فوتی** = منازل کوچک و فاقد امکاناتی که در ابتدا برای کارگران مجرد ساخته شده بود . این منازل شامل دو اتاق به ضلع ۱۰ فوت بود که روی هم ۲۰ فوت می شد.
- بیلر** = با **ک** **س** **ر** **ه** ی **ح** **ر** **ف** **ب** و **ف** **ت** **ح** **ه** ی **ح** **ر** **ف** **ل** **ا** **م** ، دیگ بخار . اصطلاحاً به مخازن فلزی گفته می شد که برای گرم کردن آب از آنها استفاده شده و می شود، مخزن آبگرمکنهای نفتی و یا گازی فعلی (**BOILER**).
- بیلرسوت** = لباس های کار مخصوصی که شرکت نفت به کارگران می داد و رنگ آنها معمولاً بنفش روشن بود . احتمالاً (**BOILER SUIT**).
- بیم** = تیرآهن (**BEAM**).
- پاپ لین** = با **ک** **س** **ر** **ه** ی **ح** **ر** **ف** **ل** **ا** **م** ، خط لوله ی انتقال نفت و گاز را می گفتند (**PIPE LINNE**).
- پاپ لین** = به نوعی پارچه می گفتند.
- پارتی** = حامی ، پارتی بازی به حمایت غیرمعمول شخص ذینفوذی از یک فرد اطلاق می شده و می شود، (**SIDE IN AN AGREEMENT**).
- پارتی** = جشن هم معنی می دهد و انواع جشن چون گودبای پارتی.
- پارتی** = مجموعه ای از کالاها و اجناس اطلاق می شود.
- پاس** = جواز، کارتی که به کارمندان شرکت نفت و خانواده های آنان داده می شد تا از امکانات شرکتی از جمله اتوبوس استفاده کنند (**PASS**).
- پاستوریزه** = مواد غذایی فاقد میکروب و مواد بیماری زا ، از نام لویی پاستور گرفته شده است.
- پاکت** = با **ف** **ت** **ح** **ه** ی **ح** **ر** **ف** **ک** **ا** **ف** ، پاکت نامه (**POCKET**).
- پانسمان** = زخم بندی (**PANSEMENT**). این واژه فرانسوی است.
- پانسیون** = مهمانخانه ی شبانه روزی (**PENSION**).
- پارهور** = پاور هوس (**POWER HOUSE**) مرکز تولید برق و منظور نیروگاه برق تمبی بود.
- پترول** = با **ک** **س** **ر** **ه** ی **ح** **ر** **ف** **پ** ، بنزین (**PETROL**).
- پته** = با **ک** **س** **ر** **ه** ی **ح** **ر** **و** **ف** **پ** و **ت** ، بلیت ، مجوز ، یادداشت . احتمالاً (**PETIT**).
- پخار** = با **ضمه** ی **ح** **ر** **ف** **پ** ، آشپزخانه ی منازل کارگری شرکت نفت یا همان سی برنجی ها ، بعدها بخار. اصل کلمه را نیافتیم ولی این واژه از زمان شرکت نفت سابق وارد زبان مردم مسجدسلیمان شد.
- پدال** = با **ک** **س** **ر** **ه** ی **ح** **ر** **ف** **پ** ، جاپایی ، رکاب (**PEDAL**).
- پرتابل** = با **ضمه** ی **ح** **ر** **ف** **پ** ، قابل حمل ، سبک (**PORTABLE**).
- پردکشن** = با **ضمه** ی **ح** **ر** **ف** **پ** و **ف** **ت** **ح** **ه** ی **ح** **ر** **ف** **د** **ا** **ل** و **ک** **س** **ر** **ه** ی **ح** **ر** **ف** **ش** **ی** **ن** ، پروداکشن (**PRODUCTION**) تولید، منظور اداره ی بهره برداری شرکت نفت بود.
- پرس** = فشار (**PRESS**).
- پرسنل** = با **ک** **س** **ر** **ه** ی **ح** **ر** **و** **ف** **پ** ، سین و نون ، کارکنان (**PERSONEL**).
- پرسنل** = به اداره ی امور کارکنان هم اطلاق می شده است.
- پرمیت** = با **ک** **س** **ر** **ه** ی **ح** **ر** **ف** **پ** ، اجازه نامه (**PERMIT**).
- پرو** = با **ضمه** ی **ح** **ر** **و** **ف** **پ** و **ر** ، امتحان لباس قبل از دوخت نهایی برای پیدا کردن اشکالات احتمالی آن.
- پریمری** = با **ک** **س** **ر** **ه** ی **ح** **ر** **و** **ف** **پ** و **م** **ی** **م** ، ورودی ترانسفورماتور (**PRIMARY**). این واژه بیشتر در بین کارکنان اداره ی ابزار دقیق به کار می رفت.
- پز** = با **ضمه** ی **ح** **ر** **ف** **پ** ، به معنی قیافه گرفتن و خود را بالاتر از معمول نشان دادن (**POSE**).

پستن = با کسره ی حرف پ و کسره یا ضمه ی حرف ت ، پیستون (PISTON) .
 پلاستر = با کسره ی حروف پ و ت ، دیوار را با گچ اندود کردن (PLASTER) .
 پلاستیک = (PLASTIC) .
 پلاک = با کسره ی حرف پ ، دو شاخه یا سه شاخه ی اتصال برق (PLUG) . نوعی از سه شاخه ها که با نام اختصاری شرکت سازنده اش ام . ک (M . K) نامیده می شد که در آن زمان بسیار معروف بود و هنوز هم به همان اسم در مسجدسلیمان شناخته می شوند . مانند درب بازکنهای برقی که همه در ابتدا با نام اف . اف شناخته می شدند که در اصل نام اختصاری شرکت سازنده ی آن بوده است .
 پلاک = با کسره ی حرف پ ، شماره ی اتومبیل (PLAQUE) .
 پلاک = قطعه ای در لوله کشی که در انتهای مسیر لوله کشی ، آن را مسدود می کند .
 پلند = با کسره ی حرف پ و فتحه ی حرف لام ، کارخانه . مانند گچ پلند یعنی کارخانه ی گچ (PLANT) .
 پلیت = با کسره ی حروف پ و لام ، ورقه ی آهن (PLATE) . مانند بسیاری دیگر از کلمات انگلیسی ، از این کلمه به شکل فعل نیز استفاده شده است مانند سقف پلیتی یعنی سقعی که از پلبت پوشیده شده است .
 پمپ = با فتحه ی حرف پ ، تلمبه یا پمپ (PUMP) .
 پمپوز = با فتحه ی حروف پ ، تلمبه خانه ، پمپ هوس (PUMP HOUSE) منظور تلمبه خانه ی آب در محل گذارلندر کنار رود کارون است که آب از آنجا برای مسجدسلیمان پمپاژ می شود .
 پماد = با ضمه ی حرف پ ، مرهم ، پماد (POMADE) .
 پنچ = با فتحه ی حرف پ ، پانچ (PUNCH) ، وسیله ای که برای سوراخ کردن کاغذ یا ورقه های فلزی به کار می رود .
 پنجر = با فتحه ی حرف پ و فتحه یا کسره ی حرف چ ، سوراخ شدن لاستیک خودرو (PUNCTURE) .
 پند = با ضمه ی حرف پ ، پاوند ، واحد پول و وزن در انگلستان . این واحد وزنی معادل ۴۵۳ / ۶ گرم در ابتدای اکتشاف نفت و فقط در واحدهای شرکت نفت رایج بود (POUND) .
 پنسلین = با کسره ی حروف پ و سین ، پنی سیلین ، آنتی بیوتیک ، چون در آن زمان تنها آنتی بیوتیک موجود پنی سیلین بود و بعدها نیز همه ی آنتی بیوتیکها را با همین عنوان نام می بردند .
 پودر = گرد ، پودر (POWDER) .
 پوزیشن = موقعیت شغلی و کاری ، سمت ، منصب (POSITION) .
 پولی = (PULLY) .
 پینتر = با ضمه ی حرف پ و کسره ی حرف ت ، اشاره گر ، عقربه ی دستگاههای ولت متر و میترهای قدیمی را می گفتند (POINTER) .
 پیپ = بر وزن سیب ، منظور بشکه های بیست لیتری مخصوص حمل مواد نفتی بود (پیپت هم گفته می شد) .
 پیشتو = تپانچه ، هفت تیر (PISTOL) .
 پیکاب = دستگاه انتقال صوت یا همان سوزن گرامافون (PICKUP) .
 پیکاب = (VAN , PICKUP) وانت های مخصوص حمل بار و مسافر که در ابتدا بیشتر ساخت کارخانه ی شورولت بودند .
 پیک نیک = گردش دسته جمعی (PICNIC) .
 پیم = سوزن ته گرد (PIN) .
 پین = قطعه فلزی که سبب اتصال دو قسمت می شود مانند میله ی وسط لولا (PIN) .
 تاپ = عالی ، بسیار خوب (TOP) .
 تاپن پلند = با کسره ی حرف پ ، کارخانه ی تقطیر نفت (TOPPING PLANT) .
 تچ = با فتحه ی حرف ت ، برای بیان اتصال دو سیم مدار جریان برق به کار می رفت که بیشتر در اداره ی ابزار دقیق شنیدیم . احتمالا همان اتچ (ATTACH) باشد .
 تنکی = با فتحه ی حرف ت ، تانکی هم تلفظ می شود . بشکه ی ذخیره ی آب یا مایعات دیگر (TANK) .
 تنکی فارم = به محدوده ی مخازن نفت در بی بیان اطلاق می شد .
 تایر = با کسره ی حرف ی ، لاستیک خودرو (TIRE) .
 ترانسفورمر = ترانسفورماتور یا دستگاه مبدل ولتاژ برق (TRANSFORMER) .
 ترموس = با کسره ی حرف ت ، فلاسک ، ظرف عایق حرارت (THERMOS) .
 ترموستات = دماپا ، ترموستات (THERMOSTAT) .
 تری = با کسره ی حروف ت و ر ، رزوه ی لوله ، پیچ و مهره را می گفتند احتمالا (THREAD) .
 تری = با کسره ی حرف ت و ر ، تمرین خصوصا تمرین رانندگی یا به قول امروزی ها تعلیم رانندگی و احتمالا اصل واژه همان TRAIN بوده است .

- تریپ = با کسره ی حرف ت ، قطع برق (این اصطلاح را به صورت فعل هم به کار می بردند مثلا : برق تریپ کرد).
- تریئل = با کسره ی حروف ت و ر و ضمه ی حرف ت ، تراکتور (TRACTOR).
- تریلی = نفربرهای شرکت نفتی که برای جابجایی کارگران و دانش آموزان استفاده می شد.
- ترینسکو = با کسره ی حروف ت و ر و نون ، هنرستان حرفه ای شرکت نفت که قبلا در محل اداره ی ابزار دقیق در بازار چشمه علی قرار داشت . همان ترینینگ اسکول (TRAINING SCHOOL).
- تعرفه =
- تست = آزمایش ، تست (TEST).
- تکت = با کسره ی حروف ت و کاف ، بلیط اتوبوس ، تیکت (TICKET).
- تکتکو = با فتحه ی حروف ت ، به موتوسیکلتهای موجود در شرکت نفت می گفتند.
- تلگراف = با کسره ی حروف ت و گاف ، تلگراف (TELEGRAPH). در زبان مردم به معنی کوتاه جواب دادن بوده است برای مثال می گفتند تلگرافی حرف زدن یعنی مختصر صحبت کردن.
- تن = با ضمه ی حرف ت ، بلندی صدا ، درجه ی صدا ، صدا (TONE).
- تننور = با فتحه ی حرف ت ، تنتورید که برای ضدغفونی کردن زخم ها به کار می رفت.
- تنسپورت = با فتحه ی حروف ت و نون . ترانسپورت (TRANSPORT) حمل و نقل کالا و مسافر ، مجازا به معنی انتقال کارکنان به منطقه ی دیگر بود.
- توالت = آرایش کردن ، بزک کردن (TOILETTE).
- توالت = آبریزگاه ، مستراح.
- توپ = عالی ، بسیار خوب . شاید همان کلمه ی تاپ باشد (TOP).
- تویی = به شناور بشکه های آب گفته می شد که با پرشدن بشکه مسیر ورودی آب را می بست.
- تویی = به قسمت مرکزی چرخ جلو خودرو هم گفته می شد.
- تول باکس = جعبه ابزار (TOOLBOX).
- تویزر = با کسره ی حروف ت و ز ، (TWEEZER) . وسیله ای شبیه به موچین با نوک تیز که در تعمیر ساعت و ادوات اندازه گیری خصوصا برای کار با فنرهای نازک و جا انداختن پیچ های ریز استفاده می شد.
- تیپ = با کسره ی حرف ت . نوار چسب (TAPE).
- تیپ = با کسره ی حرف ت . نوع (TYPE).
- تیپ = با کسره ی حرف ت . ماشین تحریر (TYPE).
- تیپست = ماشین نویس ، تایپیست (TYPIST).
- تیپ = بر وزن زیپ ، شکل ، قیافه.
- تیس لامپ = با کسره ی حرف ت ، تست لامپ ، به فازمتر گفته می شد (TESTLAMP).
- تیسسی = با کسره ی حرف ت ، تاکسی (TAXI).
- تیل = با کسره ی حرف ت ، تیر برق (TAIL).
- تیم = با کسره ی حرف ت ، زمان ، وقت (TIME).
- تیم شیت = برگه ی حضور در محل کار (TIME SHEET).
- تیم = دسته ، گروه (TEAM).
- تیوپ = لاستیک تویی اتوموبیل (TUBE).
- جاکت = با فتحه ی حرف کاف ، ژاکت ، پولیور (JACKET).
- جالی = به پوشش آهنی روی چاهها و یا جوی های آب می گفتند.
- جالجیس = جنولوجیست . (GEOLOGIST) کسانی که در کار نقشه برداری از منابع زیرزمینی نفت و گاز فعالیت می کردند . کار این افراد در مناطق صعب العبور بود و در ابتدای فعالیت شرکت نفت ، معمولا وسایل و ملزوماتشان را بااستفاده از چهارپایان جابجا می کردند.
- جغله = با کسره ی حروف جیم و لام ، در مقام تحقیر و توهین به پسر بچه گفته شده و معنای خوبی نداشت.
- جک = با فتحه ی حرف جیم ، پارچ آبخوری ، احتمالا (JUG).
- جک = با فتحه ی حرف جیم ، وسیله ی بالا بردن چرخ اتوموبیل (JACK).
- جک = با فتحه ی حرف جیم ، به قسمت بار کامیونهای کمپرسی گفته می شد.
- جک = با ضمه ی حرف جیم ، لطیفه ، طنز (JOKE).
- جک بادی = به کامیونهای کمپرسی گفته می شد.

جگاره = با کسره ی حرف جیم ، جیگاره، سیگار.

جلنی = با کسره ی حروف جیم و لام و نون ، به دینامیت می گفتند. تلفظ صحیح آن را نیافتیم.

جنت = با فتحه ی حرف جیم ، لوله ی لاستیکی که ورودی و خروجی رادیاتور اتوموبیل را به سیلندر وصل می کند . احتمالاً اصل کلمه، (JOINT) بوده است.

جونور استاف = گروهی از کارمندان شرکت نفت را می گفتند (JUNIOR) .

جی پی = کارخانه ی گوگرد سازی بی بیان (G P) .

جی تیپ = با کسره ی حرف ت ، جی تایپ ، مجموعه ی منازل کارمندی کنار محله ی کولرشاپ و سرمسجد.

جین = با کسره ی حرف جیم ، پیوند ، اتصال ، در مورد وصل کردن انتهای سیم های برق به کار می رفت.

چارچ = پرکردن باتری ، شارژ (CHARGE) .

چتری = با فتحه یا کسره ی حرف چ ، برزنت.

چتی = با کسره ی حرف چ ، چیتی ، معرفی نامه ی اداری با امضای مسئول مربوطه جهت انجام امور اداری یا معرفی افراد به قسمتهای مختلف چون بیمارستان (CHITTY) .

چکر = با کسره ی حروف چ و کاف ، بازرس (CHECKER) .

چکمه = چکمه ، این واژه ترکی است. در زبان مردم مسجدسلیمان چیمه (با فتحه ی حرف چ) تلفظ می شد.

چیپس = سیب زمینی سرخ کرده. اولین بار پدر یکی از دوستان که در بوفه ی باشگاه مرکزی کار می کرد با استفاده از یک وسیله ی ساده شبیه به رنده ی چوب، سیب زمینی ها را ورق کرده و سپس در روغن سرخ می کرد و در بوفه ی باشگاه عرضه می کرد.

حب = با فتحه ی حرف ح ، قرص ، این واژه از زبان عربی گرفته شده است.

داژوال = داژبال ، نوعی بازی ، بازی وسطی (DODGEBALL) .

دبل = با فتحه ی حرف دال و کسره ی حرف ب ، دوبرابر ، دوتا (DOUBLE) .

دبلیوسی = توالت (WC) .

دپو = با کسره ی حرف دال ، روی هم انباشته کردن سنگ و خاک ، دپیو هم تلفظ می شده است (DEPOT) .

درام = با فتحه ی حرف دال ، بشکه های ۲۰۰ لیتری یا چهل گالنی حمل فرآورده های نفتی (DRUM) .

درانگ = با کسره ی حروف دال ، ر و لام . قسمت حفاری شرکت نفت (DRILLING) .

دکور = با کسره ی حرف دال ، دکور ، آرایش (DECOR) . بعدها دکوراسیون و دکوراتور و دکوری هم از مشتقات این واژه وارد زبان مردم شد.

دریس = با کسره ی حروف دال و ر ، لباس، لباس شیک پوشیدن (DRESS) .

دریل = با کسره ی حروف دال و ر . درل (DRILL) وسیله ای برای سوراخ کردن آهن ، چوب و سطوح مختلف با استفاده از مته های فلزی.

درین = با کسره ی حروف دال و ر ، سرریز بشکه های آب (DRAIN) .

دریول = با کسره ی حروف دال و ر و واو ، راننده، درایور (DRIVER) . سکن دریول یعنی کمک راننده .

دفرنسیال = با کسره ی حرف دال و ر ، دیفرانسیل خودرو (DIFFERENTIAL) .

دول = بر وزن دود . ظرفی از جنس برزنت سفیدرنگ که دربی پیچی و فلزی داشت . هر ساله به کارگران به همراه لباس کارسالیانه، یک عدد دول هم می دادند. این ظرف جهت ذخیره ی آب خوردن بود و قطرات آب که از بدنه ی آن ترشح می شد، تبخیر شده و آب درون ظرف را خنک می کرد. بسیاری از کارکنان این وسیله را به بستگانشان که ساکن روستا بودند هدیه می دادند.

دیزل = موتور گازویلی ، گازویلی.

دیس = با کسره ی حرف دال ، حدیده . وسیله ای برای رزوه دارکردن لوله های آب و گاز (DIES) .

دیسک = دیسک ، اشاره به دیسک و صفحه کلاچ خودرو دارد (DISK) .

دینام = مولد برق مستقیم یا (D . C) در اتومبیل. یک نوع کوچکتر آن هم روی دوچرخه نصب می شود، دینامو (GENERATOR) .

رات = میله ، تکه ای از میلگرد (ROD) .

رادیات = وسیله ی خنک کننده ی موتور اتوموبیل ، رادیاتور (RADIATOR) .

رادیو = رادیو، رادیو کردن به معنی بیسیم و مخابره ی پیام با بیسیم هم بوده است (RADIO) .

راکت = با فتحه ی حرف کاف ، راکت ، وسیله ی بازی تنیس (RACKET) .

رام سید = با کسره ی حرف سین ، خلاف جهت یا در مسیر مقابل رانندگی کردن را می گویند . سید در اصل همان کلمه ی ساید (SIDE) است.

رجیم = با کسره ی حرف ر، رژیم غذایی یا حکومتی (REGIME) .

رزرو = با کسره ی حروف ر و ز ، اختصاص دادن، کنار گذاشتن، یدکی ، ذخیره (RESERVE) .

رست هوز = رست هوس (REST HOUSE) محل اقامت کارکنان اعزامی در مناطق.
 رشند = با فتحه ی حروف ر و شین ، رشن ، جیره ی غیرنقدی که به کارگران داده می شد (RATION).
 رگلاتور = با کسره ی حرف ر و سکون حرف گاف، تنظیم کننده، مجازا به درجه ی تنظیم سرعت پنکه های دیواری می گوئیم (REGULATOR).
 رگلاتور = دستگاهی که روی سیلندرهای گاز مایع قرار گرفته و فشار گاز خروجی را تنظیم می کند.
 رنج = با کسره ی حرف ر ، دامنه ، محدوده (RANGE). بیشتر در تنظیم اهم متر به کار برده می شد.
 رنگ = با کسره ی حرف ر ، حلقه، رینگ چرخ وسایل نقلیه (RING).
 رول = بر وزن شوق ، رل، فرمان خودرو (ROLE). به معنی نقش بازی کردن هم بود که گاهی به کسی می گفتند رول بازی می کنی که به زبان ساده یعنی راست نمی گویی.
 رول = بر وزن شوق ، به توپ پارچه و یا لوله ی کاغذ هم اطلاق می شد (ROLE or ROLL).
 ریتارد = پس برق ، از اصطلاحات برق خودرو (RETARD).
 ریسک = خطر ، خود را به خطر انداختن ، ریسک (RISK).
 ریل ویل = ریل وی ، از محلات مسجدسلیمان است که چون یکی از ایستگاههای قطار در این محله قرار داشت به این اسم نامیده شد (RAILWAY).
 زیپ = زیپ ، زیپ لباس (ZIP).
 زیگزاگ = گاهی هم زیگزاگ ، کج و معوج ، (ZIGZAG).
 ژتون = ژتون (JETTON). ژتون با کسره ی حرف ژ هم استفاده می شد.
 ژست = با کسره ی حرف ژ ف قیافه (JEST). گاهی جست هم تلفظ می شده است.
 ژله = ژله (JELLY).
 ژنراتور = با کسره ی حرف ژ ، مولد نیروی الکتریسیته (GENERATOR).
 ژینگولو = ژینگول، جوان جلف، شیک (GIGOLO). معمولاً خطاب محترمانه ای نبود.
 ژینگلور = ژینگلور، قسمتی از کاربوراتور خودروهای بنزینی که سوخت از آن وارد شده سپس با هوا مخلوط می گردد، قسمتی از اجاق گاز که گاز از آن وارد می شود، در بیان محلی به آن ممک گفته می شد (با فتحه ی حروف م) گفته می شود.
 ساکت = با کسره ی حرف کاف . پریز برق (SOCKET).
 ساکشن = با کسره ی حرف شین ، مکیدن ، مکش (SUCTION).
 سالن = با ضمه ی حرف لام ، سالون ، تالار (SALOON).
 سانتال = مرکزی ، بیشتر به تهویه ی مرکزی گفته می شد (CENTRAL).
 ساندویچ = (SANDWICH).
 سانس = به هر نوبت نمایش فیلم در سینما می گفتند.
 ساوین = در اصل ساون (SAVON) و یا سابون (SABON) بوده که معرب آن صابون است . در بعضی موارد سابین هم تلفظ شده است.
 سپرتاس = با کسره ی حروف سین و پ ، ظرفی دسته دار و معمولاً سه قسمتی که درب آن محکم بسته شده تا غذای درون آن بیرون نریزد. بعضی از کارگران زمانی که به محل کار می رفتند، با استفاده از این ظرف غذای خود را همراه می بردند (شاید سه پرتاس بوده که تاس یعنی ظرف).
 سپریتر = با کسره ی حروف سین ، پ و ر ، تفکیک کننده ، جداساز (SEPARATOR).
 ست = با کسره ی حرف سین ، مجموعه ، بخشی از بازی تنیس روی میز (SET).
 سچه = با کسره ی حروف سین و چ ، ریل قطار (این کلمه عربی است).
 سرتکت = یا فتحه ی حرف سین و کسره ی حروف ت و کاف، گواهی انجام کار در یک موسسه که نشانه ی تبحر فرد در انجام شغل مورد نظر بود.
 سرف = با کسره ی حرف سین ، استارت خودرو ، سلف هم می گفتند.
 سرویس = با کسره و فتحه ی حرف سین ، به وسیله ی نقلیه ی خاص مانند اتوبوس اطلاق می شد. امروز هم هنوز این واژه به همان معنی به کار برده می شود مانند سرویس مدرسه.
 سرویس = به تعمیر و نگهداری وسایل و تجهیزات گفته می شد مانند سرویس کردن کولر یا اتوموبیل.
 سرویس = به مدت کارکرد یا سابقه ی خدمت کارکنان هم گفته می شد برای مثال کارکنان از هم می پرسیدند :
 چند سال سرویس داری ؟ (SERVICE).
 سرویس من = به تعمیرکار گفته می شد.

- سکل = با کسره ی حروف سین و کاف ، موتوسیکلت.
- سکن = با کسره ی حروف سین و کاف، دوم ، به لامپهای کوچک خودرو گفته می شد (SECOND). سکن دریول یعنی کمک راننده.
- سکند = با کسره ی حروف سین و کاف ، ثانیه ، دومین (SECOND) . پرسکند یعنی برثانیه P / S .
- سگار = با کسره ی حرف سین ، سیگار .
- سندیکا = با فتحه ی حرف سین ، سندیکا و اتحادیه ی کارگری را می گفتند (SYNDICATE) .
- سیگار = (CIGARETTE) .
- سلاک = با کسره ی حرف سین ، شل ، لق ، (SLACK) .
- سلنج = با کسره ی حروف سین و لام ، جرتقیل ، کرن (CRANE) .
- سلنج = وسیله مکانیکی که روی ریل حرکت کرده و به وسیله ی کابل های قوی که توسط الکتروموتور جمع می شد ، کشیده می شد. این وسیله بر روی ارتفاعات بالای روستای پاگچ گذارلندر نصب شده و با آن وسایل و افراد را حمل می کردند (تاریخ مسجدسلیمان، عباسی شهنی دانش، ص ۱۵۷) .
- سفتی ولف = یا کسره ی حرف سین ، شیر اطمینان (SAFETY VALVE) .
- سکشن = با کسره ی حروف سین و شین ، بخش ، قسمت (SECTION) . این واژه امروزه هم به شکل وسیعی در بین دانشجویان استفاده می شود و اشاره به گروه های متعدد یک درس دارد مثلا درس روانشناسی در دو سکشن ارائه می شود.
- سکن = با کسره ی حروف سین و کاف ، دوم (SECOND) . معمولا برای اشاره به کمک راننده و نیز لامپهای کوچک خودرو استفاده می شد.
- سکندری = با کسره ی حروف سین و کاف، ورودی یا خروجی ثانویه ی ترانسفورماتور (SECONDARY) . این واژه بیشتر در بین کارکنان اداره ی ابزار دقیق به کار می رفت.
- سلندر = با کسره ی حروف سین و لام ، سیلندر موتور (CYLINDER) .
- سلندر = با کسره ی حرف سین و فتحه ی حرف لام ، به مخازن قابل حمل گاز مایع خانگی اطلاق می شود. (سلندر با کسره ی حروف سین ، لام و دال هم تلفظ می شده است) .
- سلوچ = با فتحه ی حرف سین و کسره ی حرف واو ، انبار اسقاطی تجهیزات شرکت نفت که جنب خوابگاه فعلی ارتش کنار انبار خوراکی قرار داشت . سلوچ هم تلفظ می شده است.
- سلیپ = با کسره ی حرف سین ، زمانی که راننده ترمز شدیدی می کرد و خودرو روی زمین لیز می خورد، می گفتند سلیپ کرد یعنی به شدت نرمز کرد احتمالا (SLIP) .
- سمپل = با فتحه ی حرف سین و کسره ی حرف پ ، نمونه ، نمونه ی آزمایشی (SAMPLE) .
- سیمنت = با فتحه ی حروف سین و میم ، سیمان (SEMENT) مردم عادی از این کلمه مشتقاتی هم ساخته و به کار می بردند از جمله سمنتی یا سمنتویی یعنی سیمانی یا با سیمان ساخته شده.
- سنبه = با ضمه ی حرف سین، میله ی گرد آهنی برای سوراخ کردن و یا گشاد کردن سوراخ چوب و فلزات. وسیله ای برای پاک کردن لوله ی تفنگ.
- سنتر = با کسره ی حروف سین و ت ، وسط ، مرکز، مرکزی (CENTER) .
- سوبلمه = با فتحه ی حرف لام ، به نوعی صابون خوشبو گفته می شد. سوبلمه هم تلفظ می شد.
- سوپر = عالی، بسیار خوب (SUPER) .
- سوپرویزر = با کسره ی حرف واو ، ناظر، سرپرست، سوپروایزر (SUPERVISOR) .
- سوت = بر وزن توت، واحدی کوچکتر از اینچ که برای اندازه گیری قطر لوله های گاز به کار می رفت. هراینچ را به هشت قسمت تقسیم کرده و هر بخش را یک سوت می گفتند.
- سودا = نوعی نوشابه ی غیر الکلی گاز دار.
- سولدر = با ضمه ی حروف سین و دال ، لحیم ، لحیم کاری (SOLDER) .
- سویچ = با کسره ی حرف سین ، کلید قطع و وصل برق (SWITCH) .
- سی برنج = نام محله ای از مسجدسلیمان روبروی کمپ کرسنت. برخی وجه تسمیه ی نام این محله را شعبه ی ساختمان می دانند (CONSTRUCTION BRANCH) .
- سی برنجی = منازل کارگری دو و سه اتاق خوابه با شیروانی فلزی (پلیتی) که آب و گاز مجزا داشتند.
- سینما = سینما (CINEMA) .
- سیدکار = با کسره ی حرف سین ، سایدکار ، اتاقتک موتوسیکلت (SIDECAR) .
- سیز = با کسره ی حرف سین ، اندازه (SIZE) . بعدها فقط برای لباس و خصوصا کفش به کار می رفت.
- سیستر = به پرستاران گفته می شد (SISTER) .

سیفون = فلاش تانک توالت (SIPHON).

سیوینگ = پس انداز (SAVING).

سینیر استاف = به کارمندان عالیرتبه ی شرکت نفت اطلاق می شد (SENIOR).

شارت = کلمه ی انگلیسی (SHORT) یعنی کوتاه، منظور اتصال کوتاه در مدار جریان برق که سبب می شود فیوز سوخته و جریان قطع گردد. از این واژه به عنوان فعل هم استفاده می شد: برق شارت کرد یعنی مداراتصال کرد. شارتی هم می گفتند.

شاسی = شاسی خودرو (CHASSIS).

شاکولیت = با کسره ی حرف لام ، شوکولات (CHOCOLATE).

شامپو = شامپو (SHAMPOO).

شپک = با فتحه ی حروف شین و پ ، دست زدن ، کف زدن ، ابراز احساسات (املا ی درست انگلیسی آن را نیافتیم . احتمال دارد این کلمه انگلیسی نباشد).

شفت = با فتحه ی حرف شین ، محور ، شافت (SHAFT).

شفت = با کسره ی حرف شین ، شیفت یا نوبت کاری (SHIFT).

شفت اسپانه = با کسره ی حرف شین ، آچار فرانسه (SHIFT SPANNER).

شک = با ضمه ی حرف شین ، شوک (SHOCK).

شلف = با کسره ی حرف شین ، قفسه (SHELF).

شلاک = با کسره ی حرف شین ، از حل کردن میکا در الکل مایعی به دست می آید که آن را روی سیم پیچ ترانسفورماتورها یا بوبین ها می ریزند تا روی آنها را بپوشاند که در حقیقت به صورت عایق عمل کرده و مانع از اتصال احتمالی و سوختن سیم پیچ ها می گردد.

به این مایع شلاک الکل هم می گفتند و در نجاری نیز برای براق کردن رویه ی فیبر و تخته استفاده می شد .

شندی = با فتحه ی حرف شین ، سایبان. احتمالا شنتی (SHANTY) به معنی آلونک و کلبه است.

شورت = شلوار کوتاه (SHORT).

شوفر = با کسره ی حرف ف ، راننده ، راننده ی شخصی (CHAUFFEUR).

شولیت = با کسره ی حروف شین ، واو و لام ، نام نوعی خودرو ، شورولت (CHEVROLET).

شیت = در اصل کلمه ی سوت است که در گویش محلی به این صورت تلفظ می شود و اشاره دارد به صدای آژیرهایی (سیرن SIREN) که بالای درب ورودی ورک شاپ، آتش نشانی و پالایشگاه بی بیان قرارداداشت و در گذشته ساعات آغاز و پایان کار و یا استراحت کارگران را اعلام می کرد. سیرن ها هنوز هم وجود دارند و تنها در طول دوران جنگ عراق و ایران از آنها به عنوان آژیر خطر استفاده می شد. در کتاب تاریخ مسجدسلیمان و نیز کار تحقیقی خواهرذوالفقاری از این آژیرها با نام **فیدوس** و **فیتوس** هم ذکر شده است که اصل و ریشه ی این کلمه را نمی دانم.

شیت = صفحه، ورق (SHEET).

صاحب = صاحب (SAHIB) در بیان هندی ها به معنی آقا است و عنوانی است که هندیها با آن انگلیسیها را خطاب می کردند. از نتایج استعمار انگلیس در هندوستان است و و از آنجا به بقیه ی مناطق تحت سلطه و نظارت انگلیسیها راه پیدا کرده است.

طماطه = بعدها تماته، گوجه فرنگی (TOMATO). این واژه از انگلیسی به عربی (طماطم) و سپس به زبان فارسی وارد شده است و به همین علت ابتدا با ط نوشته می شد.

عسکر = به نظامیان هندی در جنگ دوم جهانی گفته می شد. این واژه عربی است.

فابریک = به تولید و یا محصول یک کارخانه و یا کارگاه می گویند که پس از مدتها هنوز دست نخورده باشد مثلا رنگ فابریک یعنی رنگ اصلی خودرو که دست نخورده باشد (FABRIC).

فاز = قطب مثبت برق (PHASE). به آن سیم گرم و لین (LINE) هم می گفتند.

فراستیشن = آتش نشانی ، فایر استیشن (FIRE STATION).

فاکتور = برگه ی خرید (FACTOR).

فر = با کسره ی حرف ف ، اجاقی که با گاز کار می کند ، فرگاز ، این واژه فرانسوی است (FER).

فرم = با کسره ی حروف ف و ر ، قاب ، کادر ، چهارچوب (FRAME).

فرم = با ضمه ی حرف ف ، شکل ، ریخت (FORM).

فرمالیته = با ضمه ی حرف ف ، ساختگی، ظاهری.

فرمن = با ضمه ی حرف ف و فتحه ی حرف میم ، سرکارگر (FOREMAN).

فرنگی = با کسره ی حرف ف و فتحه ی حرف ر ، فرنگی ، اروپایی ، به انگلیسیها اطلاق می شد.

فرنیچر = با کسره ی حروف ف و چ ، وسایل خانه مانند صندلی و مبل و .. (FURNITURE).

فریج = با کسره ی حرف ف ، یخچال (FRIDGE).

فلنج = با کسره ی حروف ف و لام ، پیوند لوله (FLANGE) . فلنج در اصل نقش یونین یا قفل را در لوله های با قطر بالا ایفا می کند.

فلنج = با کسره ی حرف ف و فتحه ی حرف لام ، بخشی از ترمز خودرو . با فشردن پدال ترمز ، لنت ها به فلنج فشار وارد کرده و باعث توقف خودرو می شوند.

فلنگ = با کسره ی حروف ف و لام ، فرار کردن . در گفتگوی عامیانه معمولا به شکل فعل استفاده می شد مانند فلنگو بست یعنی فرار کرد (FLEEING) . احتمالا این واژه ابتدا وارد زبان ساکنان مناطق شرکت نفتی نشده است.

فندول = با فتحه ی حرف ف ، آونگ ، پاندول . به چرخ رقاصک ساعت های مچی و رومیزی گفته می شد.

فنس = با کسره و فتحه ی حرف ف ، حصار های فلزی (FENCE) .

فنتش = با کسره ی حروف ف و نون ، اخراج ، اخراج کردن یا شدن (FINISHED) .

فوت = واحد اندازه گیری طول در حدود ۳۰ سانتیمتر یا ۱۲ اینچ (FOOT) . تا مدتها تنها مقیاس محاسبه ی طول فقط فوت بود (وسیله ی اندازه گیری جالبی نیز از چوب با لولا های فلزی ساخته شده بود که در بین مردم به فوت معروف بود . این وسیله که سه فوت یا یک یارد بود ، از شش قسمت مساوی تشکیل می شد که روی هم تا شده و به راحتی در جیب جا می گرفت و مانند امروز خبری از انواع مترهای فلزی و یا پلاستیکی مخصوص خیاطی نبود) .

فور = بر وزن نور ، دستگاهی جهت از بین بردن عوامل بیماری زا توسط حرارت.

فول = خطا ، اشتباه (FOUL) . از اصطلاحات ورزشی است ولی وقتی کسی اشتباه می کرد دیگران به طنز می گفتند: فول کردی.

فی = قیمت ، بهای کالا (FEE) .

فیبر = (FIBER) .

فیت = اندازه (FIT) .

فیتزر = با فتحه یا کسره ی حرف ت ، تعمیرکار ، کمک مکانیک (FITTER) . پی فیتزر با کسره ی حرف پ به معنی لوله کش می باشد (PIPE FITTER) .

فیتینگ = قطعات لوله کشی.

فیکس = اندازه ، کامل (FIX) .

فیگر = با ضمه ی حرف گاف ، حالت ، قیافه (FIGURE) . فیگور هم نوشته می شد.

فیل = با کسره ی حرف ف ، بر وزن ریل ، سوهان (FILE) .

فیل = به دراور (DRAWER) یا کشو محل پرورنده ها هم اطلاق می شد.

فیلتر = با کسره ی حرف ت ، صافی ، تصفیه کننده ، (FILTER) . زمانی هم به آبرسردن های شرکت نفت که در ادارات و بیمارستان نصب شده بود فیلتر می گفتیم.

فیلتر = با ضمه ی حرف ت ، فیلتر.

فیلر = با کسره ی حرف لام ، تیغه ی نازک فلزی جهت تنظیم دهانه شمع یا سوپاپ های موتور (FILLER) .

فیوز = وسیله ی قطع و وصل جریان برق در صورت بروز اتصال در مدار (FUSE) .

فیول = سوخت (FUEL) . به نوعی سوخت سنگین گفته می شد که از نفت خام به دست آمده و در موتورهای دیزلی مورد استفاده قرار می گرفت.

فیول پمپ = پمپ بنزین خودرو (FUEL PUMP) .

قرتی = با کسره ی حرف قاف ، جلف ، مانند میمون ، به افراد بی ادب که رفتار مناسبی نداشتند اطلاق می شد . به احتمال زیاد این واژه از لغت عربی فرد به معنی میمون گرفته شده و یای نسبت به آن افزوده گردیده است.

قرنطینه = با فتحه ی حرف قاف ، جدا کردن از دیگران برای جلوگیری از سرایت بیماری . این واژه معرب کلمه ی فرانسوی (QUARANTINE) است.

قماره = با ضمه ی حرف قاف ، دکه ی کوچک.

قنترات = با ضمه ی حرف قاف و کسره ی حرف ت ، پیمان ، پیمان بستن (CONTRACT) . قنتراتی ها یا به قول امروزی ها پیمانکاران همیشه وضع بسیار خوبی داشته و دارند.

کابابی = گاوچران ، کابوی در زبان انگلیسی (COWBOY) . به فیلم های وسترن گفته می شد.

کاپشن = با فتحه یا کسره ی حرف شین ،

کادر = با سکون حرف دال ، مجموعه ای از افراد ، چهارچوب ، قاب (CADRE) .

کاربرات = با کسره ی حرف ب ، کاربوراتور خودرو.

کاربن = با ضمه ی حرف ب ، برای نسخه برداری از یک نوشته استفاده می شود و در رنگ های مختلف وجود دارد (CARBON) .

(PAPER) .

کارت = کارد (CARD) . ساخته شده از مقوا در ابعاد متفاوت و برای کار های مختلف چون کارت ویزیت ، کارت شناسایی و کارت

حضور و غیاب کارکنان یک موسسه.

کارتن = با ضمه ی حرف ت ، جعبه ی مقوایی (CARTON).

کاروان = واگن بزرگ یدک که می توان در آن زندگی کرد (CARAVAN).

کافه = کافه، قهوه خانه (CAFE).

کالر = با کسره ی حرف لام ، قطعه ای از وسایل لوله کشی که از درون رزوه شده تا دو تکه لوله را به هم متصل کند . قطر درون کالر با قطر بیرون لوله ی هم اندازه ی آن مساوی است.

کالر = با کسره و گاهی هم ضمه ی حرف لام ، یقه ی لباس (COLLAR).

کامپریس = با کسره ی حروف پ و ر ، فشار ، کمپرس (COMPRESSES).

کامپریسی = با ضمه ی حرف کاف و کسره ی حروف پ و ر ، کمپرسی، کامیونهای مخصوص حمل مصالح که به آنها جک بادی هم می گفتند چون جک یا قسمت بار با فشار کمپرس موتور بالا می رفت.

کامپلیت = با کسره ی حرف پ و لام ، کامل ، تمام (COMPLETE).

کاندیدا = (CANDIDATE).

کانکس = با کسره ی حرف نون ، محفظه ی حمل بار ، اشتباها به کاروان گفته می شود (CONEX).

کانکلیت = با کسره ی حرف کاف ، سیمان فشرده و محکم (CONCRETE). کنایه از سفتی و سختی.

کاور = با کسره ی حرف واو ، پوشش ، پوشاندن (COVER).

کپ = با ضمه ی حرف کاف ، فنجان (CUP).

کپی = با ضمه ی حرف پ ، در اصل کپییه بوده است به معنی رونوشت ، نسخه (COPY).

کتر = با فتحه ی حرف کاف و کسره ی حرف ت ، سیم چین (CUTTER).

کتری = با کسره ی حرف کاف ، ظرفی برای درست کردن آب جوش (KETTLE).

کد = با ضمه ی حرف کاف ، رمز ، کد (CODE).

کری = با ضمه ی حرف کاف ، قطعه ای در خودرو که فنر را به اکسل یا محور چرخها وصل می کند.

کرم = با کسره ی حروف کاف و ر ، مرهم ، کرم (CREAM).

کرن = با کسره ی حروف کاف و ر ، جرثقیل (CRANE). کرنند هم تلفظ می شده است.

کرنیل = با ضمه ی حرف کاف و کسره ی حرف نون ، موی یک طرف زده شده را کرنیلی می گفتند.

کریدور = راهرو ، کریدور (CORRIDOR).

کلب = با فتحه ی حروف کاف و لام ، باشگاه (CLUB).

کفه = با ضمه ی حرف کاف و کسره ی حرف ف ، سرفه ، احتمالاً (COUGH).

کلاژ = با کسره ی حرف کاف ، کلاچ خودرو (CLUTCH). کلاچ هم تلفظ می شده است.

کلاستور = با کسره ی حرف کاف ، جزوه دان، پرونده، کلاسور (CLASSEUR).

کلمس = با فتحه ی حروف کاف و لام ، گیره (CLAMP).

کلیسیا = کلیسا.

کلینیک = با کسره ی حرف کاف ، درمانگاه، بیمارستان (CLINIC).

کمپ = با فتحه ی حرف کاف ، به محل اولیه ی اقامت خارجی ها می گفتند (CAMP).

کمپانی = شرکت ، در گذشته به شرکت نفت گفته می شد.

کمپ کرسنت = محله ی اعیانی و مسکونی شرکت نفت که مقابل سی برنج قرار دارد. در تصاویری که از بالا از مسجدسلیمان گرفته شده این محله شبیه به یک خط منحنی یا هلنل تست و احتمالاً به همین دلیل به این نام نامیده شده است (CRESCENT).

کمد = با ضمه ی حروف کاف و میم ، کمد ، جالباسی (COMMODE).

کمی لم = با فتحه ی حرف کاف و لام ، کمی لب، آزمایشگاه شیمی ، احتمالاً (CHEMICAL LAB).

کنترات = با ضمه ی حرف کاف و کسره ی حرف ت ، قرارداد (CONTRACT). کنترات هم می گفتند.

کنترل = کنترل ، نظارت ، بازرسی (CONTROL). کنترل هم تلفظ می شده است.

کنترلچی = به کارگر سینما که تماشاچیان را به صندلیشان هدایت می کرد گفته می شد.

کنکتک = با ضمه ی حرف کاف و فتحه ی حرف ت ، تماس (CONTCAT). به هر گونه کلیدهای قطع و وصل، کنکتکتر می گفتند ()

(CONTACTOR).

کنسل = با کسره ی حروف کاف و سین ، لغو کردن (CANCEL).

کنسل = با ضمه ی حروف کاف و سین ، مارک نوعی خودرو.

کنکشن = با کسره ی حرف کاف و نون ، ارتباط ، اتصال (CONNECTION). بیشتر در مورد مدارهای

- برق به کار می رفت.
- کنتور** = دستگاه شمارنده ، کنتور (COUNTER).
- کنگراف** = با ضمه ی حرف کاف و کسره ی حرف گاف ، گرامافون.
- کوپلینگ** = محل اتصال لوله های آب بعد از تلمبه ها (COUPLING).
- کوپن** = ورقه ی جیره بندی ارزاق، سهمیه، بلیت (COUPON).
- کولر** = با کسره ی حرف لام، وسیله ی سرمایشی، کولر (COOLER). این واژه با همان تلفظ انگلیسی مورد استفاده قرار گرفته است.
- کولرشاپ** = نام اداره ای از شرکت نفت و محله ای در شهر مسجدسلیمان که این اداره در آن محله قرار داشت .
- کوئل** = با ضمه ی حرف کاف و کسره ی حرف واو ، وسیله ای در خودرو که سبب افزایش ولتاژ برق باتری و ایجاد جرقه در شمع ها می شود (COIL).
- کیبل** = با کسره ی حروف کاف و ضمه ی حرف ب ، تلفظ انگلیسی کابل برق (CABLE).
- کیج** = با کسره ی حرف کاف ، قفس (CAGE).
- کیس** = با کسره ی حرف کاف ، جعبه ، مورد ، قضیه (CASE).
- کیوسک** = دکه (KIOSK).
- گارد** = به معنی قیافه گرفتن و پزدادن بوده است (مثلا گارد نگیر).
- گارد** = نگهبان ، مراقب (GUARD).
- گاردن** = با ضمه ی حرف دال ، وسیله ی انتقال نیرو از جعبه دنده ی خودرو به دیفرنسیال ، میل کاردن و میل گاردان هم تلفظ می شده است (CARDAN).
- گاز** = پارچه ی نخی استریل شده که در اعمال جراحی و یا پانسمانها به کار می رود (GAUZE).
- گچ پلند** = کارخانه ی گچ در نزدیک محله ی هشت بنگله . پلند قبلا توضیح داده شد (PLANT).
- گراج** = با فتحه ی حرف گاف ، گاراژ (GARAGE). این اصطلاح هم از زبان عربی گرفته شده است.
- گرام** = با فتحه ی حرف گاف ، گرامافون.
- گراند** = با کسره ی حرف گاف ، زمین، سیم اتصال بدنه ی وسایل برقی یا سیستم برق اماکن (GROUND).
- گروپ** = با ضمه ی حروف گاف و پ ، شعله کشیدن آتش بر اثر تبخیر نفت، نفت خام که بسیار آتشگیر بود به محض نزدیک شدن شعله آتش گرفته صدایی به همین شکل ایجاد می کرد و به همین سبب در بین مردم به نفت گرپی معروف بود.
- گریپاچ** = گاهی هم با صدای ژ در آخر ، سوختن و از کار افتادن موتور خودرو را می گفتند . گریپاچ هم تلفظ می شده است.
- گریت** = با کسره ی حروف گاف و ر ، درجه ، رتبه ، درجه ی شغلی، گرید (GRADE).
- گریدل** = با کسره ی حرف گاف و ر و دال ، گریدر.
- گریس** = روغن، چربی (GREASE).
- گزایل** = با فتحه ی حرف گاف و کسره ی حرف ی ، گازوئیل، نفت گاز (GAS OIL).
- گزاییلی** = گازوئیلی ، موتورهای دیزل را می گفتند.
- گست هوز** = گست هوس (GUEST HOUSE) ، مهمانسرای مخصوص کارکنانی که برای انجام ماموریت اعزام می شدند.
- گس مس** = با فتحه ی حروف گاف و میم، ماسک ضد گاز (GAS MASK).
- گلف** = بازی گلف.
- گلف کلب** = کلب با فتحه ی کاف و لام یعنی کلاب یا باشگاه. گلف کلاب، باشگاه گلف (GOLF CLUP).
- گل کیپر** = دروازه بان در بازی فوتبال (GOALKEEPER).
- گلن** = با فتحه ی حروف گاف و لام ، گالن، واحد اندازه گیری مایعات (GALON). مجازا به معنی بشکه ی فلزی به حجم یک گالن که برای حمل روغن خودرو به کار می رفت.
- گلوپ** = با ضمه ی حرف گاف ، لامپ ، شاید منظور کلمه ی (GLOB) بوده است.
- گوگرد** = به کبریت گفته می شد.
- گوگرد** = جسمی زردرنگ که از گازهای ترش چاههای گاز گرفته می شود ، سولفور (SULPHURE).
- گیت** = بروزن ریل، دربزرگ، مجازا به معنی دروازه ی ورودی تاسیسات شرکت نفت (GATE).
- گیج** = بر وزن ریل به معنی اندازه ، اندازه گیری (GAGE or GUAGE) مانند گیج بنزین یا گیج روغن. هنوز هم در مکانیکی و تعمیر خودرو کاربرد دارد.
- گیربکس** = جعبه دنده ی خودرو.
- گیس** = بروزن ریل ، گاز ، گاز طبیعی (GAS).
- گیلاس** = لیوان (GLASS).

گیم = بازی ، ورزش ، قسمتی از بازی مثلا سه گیم از پنج گیم در والیبال (GAME).

لاپرت = با ضمه ی حرف پ ، خیر، خبردادن ، گزارش دادن (REPORT).

لاری = کامیون بارکش (LORRY).

لاستیک = لاستیک خودرو ، احتمالا (ELASTIC) بوده و کم کم لاستیک تلفظ شده است.

لامپ = چراغ (LAMP). اصل این واژه فرانسوی است.

لاندری = لباس شویی ، رختشویخانه (LAUNDRY).

لژ = با ضمه ی حرف لام ، جایی در سینما برای نشستن تماشاگران . چون از بقیه ی سالن نمایش بلندتر بود به آن بالکن هم می گفتیم و بیشتر به خانواده ها اختصاص داشت (LOGE).

لمبر = با فتحه ی حرف لام و کسره ی حرف ب ، نمره ، شماره ، نامبر (NUMBER).

لندیور = با فتحه ی حرف لام و کسره ی حرف واو ، لند رور، مارک نوعی خودرو (LAND ROVER).

لنز = عدسی (LENS).

لوتو = نوعی بازی (LOTO) . دبلنا هم می گویند.

لود = فشار ، بار (LOUD) . بیشتر در مورد جریان برق استفاده می شد.

لوز = پروزن روز ، شل ، لُق بیشتر در مورد پیچ و مهره و اتصالات برقی به کار می رفت (LOOSE).

لول = با کسره ی حروف لام و واو ، صاف ، تراز (LEVEL).

لول لاری = با کسره و فتحه ی حروف لام و واو ، کامیون های مخصوص حمل کارگران ، خود کارگران آن دوره به این اتوموبیل ها کارگری می گفتند. این کلمه به اشکال مختلف تلفظ می شده است ولی اصل کلمه (LABOR LORRY) بوده است که ابتدا لبرلاری و بعدها به لول لاری تغییر کرده است (مقاله ی تحقیقی خانم ذوالفقاری). شاید به این دلیل که کلمه ی لول به معنی صاف و تراز بیشتر مورد استفاده قرار می گرفت و لبر به معنی کارگر کمتر به ذهن می آمد.

لیت = پروزن ریل ، نور، روشنایی (LIGHT) . چراغ لیت به معنی چراغ قوه.

لیتر = لیتر، واحد اندازه گیری مایعات برابر ۱۰۰۰ سانتی متر مکعب (LITER).

لیست = فهرست ، لیست (LIST).

لیک = سوراخ (LEAK).

لیکیج = نشت مایع یا گاز از مخزن و یا از اتصال های لوله کشی را می گفتند (LEAKAGE).

لیمن = با کسره ی حرف لام ، سیم بان ، خط نگهدار در بازی فوتبال (LINES MAN).

لیموناد = نوعی شربت آبلیمو (LIMONADE or LEMONADE).

لین = بر وزن ریل ، چند واحد مسکونی که در یک ردیف ساخته شده بودند (LANE).

لیور = با کسره ی حرف واو ، اهرم (LEVER).

ماساژ = مالش دادن ، ماساژ (MASSAGE).

ماشین = تلفظ تحت اللفظی کلمه ی (MACHINE) که عینا به زبان فارسی وارد شد و در ابتدا فقط به خودرو گفته می شد ولی بعد ها به هر وسیله ای که کار انجام می داد اطلاق گردید.

محاسبات = با ضمه ی حرف میم و کسره ی حرف سین ، محاسبات ، یک واژه ی عربی است و به اداره ی حسابداری اطلاق می شد.

مترن = با فتحه ی حرف میم و ضمه ی حرف ر ، سرپرستار بیمارستان، مترون.

مد = با ضمه ی حرف میم، رسم، سبک، مد (MODE) . مدل و مدرن نیز از همین کلمه وارد زبان مردم شد.

مستافی = با ضمه ی حرف میم ، مستوفی ، نام پیمانکار حمل و نقل (ترابری) شرکت نفت در زمان گذشته.

مستر = آقا (MR) . جالب این حا است که ایرانیها حتی اجازه نداشتند انگلیسی ها را با عناوین فارسی مورد خطاب قرار دهند و باید حتما از همان اصطلاحات انگلیسی استفاده می کردند (MISTER).

مکینه = با فتحه ی حرف میم ، تلفظ تحت اللفظی کلمه ی (MACHINE) است یعنی موتور (از این کلمه حتی به عنوان اسم زنانه و دخترانه نیز استفاده شده و احتمالا از تلفظ افراد عرب زبان گرفته شده است).

مکینه = دکل حفاری ، شاید به دلیل کار موتورها اینگونه نامیده شده است.

مکینه کار = کارگران بهره برداری را می گفتند.

مگر = با کسره ی حروف میم و گاف ، دستگاهی که برای اندازه گیری مقاومت های پایین در مدار الکترونیکی به کار می رفت . این اصطلاح را بیشتر کارکنان اداره ی ابزار دقیق به کار می بردند (MEGGER).

مگنت = با فتحه ی حرف میم و کسره ی حرف نون ، آهنربا (MAGNET).

منجنیق = با فتحه ی میم و کسره ی جیم به دکل های فشار متوسط برق که در نقاط مختلف شهر نصب شده و هنوز هم برخی از آنها رامی توان دید اطلاق می شد. هرچه جستجو کردم معنی درستی از آن نیافتم (شاید به خاطر شکل خاص آنها به این اسم نامیده شدند).

- من هول = با کسره ی حرف میم ، دریچه ی ورودی فاضلاب را می گفتند (MANHOLE) .
- منیفولد = با فتحه ی حرف میم، مانیفولد، چندشاخه (MANIFOLD) .
- موتور = عموماً به موتورسیکلت گفته می شود و در شکل کلی به هر نوع وسیله ی تولید نیرو اطلاق می شود اعم از موتور خودرو، کمپرسور یخچال و الکتروموتور (MOTOR) .
- موبینگ = انتقال وسایل و امکانات حفاری به محل دیگر جهت حفر چاه جدید را می گویند (MOVING) .
- میتر = دستگاه اندازه گیری ، کنتور ، به دستگاههای اهم متر هم گفته می شد (METER) .
- میترشاپ = اداره ی ابزار دقیق که مسئول تعمیر ادوات اندازه گیری بود.
- میتینگ = گردهمایی ، جلسه ، انجمن (MEETING) .
- میکروفن = با ضمه ی حرف ف ، بلندگو (MICROPHONE) .
- میلن = اتوموبیلهای سواری جهت حمل و نقل مسافری (خارجیها و کارمندان عالیرتبه) به خارج از منطقه که معمولاً شیکترین خودروها هم بودند (MAIN LINE) .
- مین آفیس = اداره ی مرکزی ، مین آفیس (MAIN OFFICE) .
- ناتور = نگهبان ، نگهبان شب (NIGHT TOUR) ، به نقل از نوشته ی آقای دادگری در نشریه ی مشعل. این واژه در زبان فارسی با املا ی ناطور به معنی نگهبان باغ انگور آمده است. از آنجا که بیشتر نگهبان ها عرب زبان بودند معنی دوم صحیح تر به نظر می رسد.
- نایلون = (NYLON) .
- نت = با فتحه ی حرف نون ، مهره (NUT) .
- نت = با کسره ی حرف نون ، تور ، در بازی تنیس با والیبال وقتی توپ به تور می خورد (NET) .
- نرس = با کسره ی حرف نون ، پرستار (NURSE) .
- نرس هاستل = ساختمان مخصوص اقامت پرستاران بیمارستان شرکت نفت.
- نرمال = با ضمه ی حرف نون ، عادی ، بهنجار (NORMAL) .
- نسکافه =
- نل = با ضمه ی حرف نون ، نول ، قطب منفی مدار برق (NULL) . به آن سیم سرد برق هم می گفتند.
- نمبر = با فتحه ی حرف نون و کسره ی حرف ب ، عدد ، شماره ، نمره (NUMBER) .
- نوت = بر وزن سوت ، اسکناس (NOTEBANK) .
- نیکانیک = مکانیک .
- نیم پل = با کسره ی حرف پ ، قطعه لوله ای که در مسیر لوله کشی ساختمان به کار می رفت و شورت نیم پل یا همان نیم پل کوتاه، امروزه در لوله کشی به جای شورت نیم پل از اصطلاح مغزه یا مغزی استفاده می شود. معادل آن را نیافتم تنها یکی از دوستان کلمه ی (NIBBLE) را معرفی کرد.
- واتر پروف = ضد آب ، به ساعت ها و وسایلی گفته می شد که بدنه ی آنها به شکلی ساخته شده بود که آب به درون آنها نفوذ نمی کرد (WATERPROOF) .
- واتر پمپ = تلمبه ی آب (از اصطلاحات مکانیکی که هنوز هم به طور وسیعی مورد استفاده قرار می گیرد) .
- واترکولر = آبسردکن.
- واتر ویت = واتر ویل.
- واتر ویل = چاههای آب نزدیک مسجدسلیمان که هنوز هم فعال هستند (WATER WELLS) .
- وارد = با سکون حرف ر ، بخش . به بخش های مختلف بیمارستان می گفتند (WARD) .
- واردمستر = بخش مرکزی بیمارستان شرکت نفت.
- وارنش = با کسره ی حرف نون ، لاک الکل ، آن زمان که وسایل تزئینی مانند امروز نبود نجارها برای جلا دادن چوب و یا فیبر بدنه ی کمدها یا میزها از لاک الکل استفاده می کردند (VARNISH) .
- وارنینگ = اخطار (WARNING) .
- واریته = مختلف، گوناگون، نمایشها یا برنامه های متنوع (VARIETE) . اصل این کلمه (VARIETY) است.
- وازلین = ماده ای که از نفت به دست می آید و به عنوان دارو و مواد آرایشی استفاده می شود (VASELINE) .
- واشر = پولک فلزی یا غیرفلزی که بین پیچ و مهره قرار می گیرد (WASHER) .
- واکس =
- والف = والو (VALVE) شیر آب و گاز که در اندازه های مختلف وجود داشت . نوع خاصی از شیرها که محورشان فقط ۹۰ درجه دوران داشت به کاک والف معروف بودند، شبیه شیرهای گاز که امروزه رایج شده اند (تلفظ و املا ی صحیح انگلیسی آن را نمی دانم) .
- والف = به سوپاپ موتور می گفتند.

- وایر = با کسره ی حرف ی ، سیم های روپوش دار برق (WIRE).
- وایر = به شیلنگ آب هم می گویند.
- وایرینگ = سیم کشی برق (WIRING).
- ورک شاپ = با فتحه ی حروف واو و ر ، ورک شاپ (WORKSHOP) در محله ی بازار چشمه علی که بعدها به ارتش واگذار شد و فعلا دبیرستان ارتش در آن مستقر است.
- وسترن = غربی ، به نوعی فیلم اطلاق می شد (WESTERN).
- وستنواچ = با کسره ی حروف واو و ت ، وستندواچ ، مارک نوعی ساعت مچی (WESTENDWATCH).
- ولتاچ = نیروی برق بر اساس ولت (VOLTAGE).
- ولدنگ = با کسره ی واو و دال ، جوشکاری برق (WELDING).
- ولیوم = با ضمه ی حرف واو ، ولوم ، درجه ی صدای وسایل صوتی مانند رادیو (VOLUME).
- ویترین = ویترین (VITRINE).
- ویس = در اوایل سالهای دهه ی ۱۳۴۰ برای اینکه کارگران دستهای خود را ضمن و یا بعد از کار پاک کنند، به جای پارچه چیزی شبیه به نخها ی ظریف به آنها می دادند که بسیار محکم هم بود و ویس (با کسره ی حرف واو) نامیده می شد. از آنجا که احتیاج مادر اختراع است بسیاری از کارگران مقدار زیادی از این نخها را با خود به خانه برده و زنان آنها را تابیده و نخ درست کرده و گلیم هایی می بافتند که طرفداران زیادی هم داشت. هرچه جستجو کردم تلفظ ، املا ی صحیح و معنی این کلمه را نیافتم.
- ویلس = با کسره ی حروف واو و لام . بی سیم ، رادیو ، وایرلس (WIRELESS) این واژه در سالهای اول کار شرکت نفت رواج داشت.
- هَز = با فتحه ی حرف ه ، لذت (احتمالا کلمه ی حظ عربی بوده و وارد زبان مردم محلی شده است. هَز کِرْدُم یعنی لذت بردم).
- هاستل = محل اسکان شبانه روزی (HOSTEL) ، مانند نرس هاستل.
- هَش = برای متوقف کردن الاغ به زبان می آورند، هُوش و هاش هم می گویند (احتمالا اصل کلمه HUSH بوده است).
- هافیز = اداره ، دفتر (OFFICE) . هفیز با فتحه ی حرف ه هم تلفظ می شده است.
- هافیز دوپوش = اداره ی مرکزی یا مین آفیس که چون دو طبقه بود به آن دوپوش می گفتند.
- هالتر = وزنه برداری (HALTER).
- هتل = هتل (HOTEL).
- هدمن = با کسره ی حرف ه و فتحه ی حرف نون ، سرانداکار (HEADMAN).
- هلو = با فتحه ی حرف ه ، کلمه ی الو که هنگام مکالمه ی تلفنی به کار می رود (HELLO).
- هندل = با کسره ی حروف ه و دال ، برخی هندر هم تلفظ می کردند. وسیله ای برای روشن کردن خودروها. خودروهای قدیمی استارت نداشتند و با این وسیله پولی سرمیل لنگ موتور را چرخانده تا موتور شروع به کار می کرد.
- هوپ = بر وزن هول ، به معنی توقف و ایستادن . زمانی که راننده درجایی بدون دید کافی و با راهنمایی فرد دیگری حرکت می کرد، برای توقف وی از این واژه استفاده می کردند . شاید (HOP) به معنی آهسته آهسته رفتن بوده است.
- هورا = آفرین ، مرحبا (HURRAH).
- هوک = قلاب ، حلقه جهت آویزان کردن وسایلی چون پنکه به سقف (HOOK). هک با ضمه ی حرف ه هم تلفظ می شده است.
- هل = با ضمه ی حرف ه ، هل دادن ، کشیدن (HAUL). این اصطلاح را اتفاقی یافتیم.
- هلدر = با ضمه ی حروف ه و دال ، به سرپیچ لامپ گفته می شد احتمالا (HOLDER).
- هپیریشن = با کسره ی حروف ه ، پ ، ر و شین، فشار قوی . منظور لوله هایی است که در خطوط لوله ی نفت مورد استفاده قرار می گرفت (HIGH PRESSURE).
- هیتر = با کسره ی حرف ت ، بخاری ، خصوصا بخاری برقی (HEATER) . این واژه با همان تلفظ انگلیسی مورد استفاده قرار گرفته است.
- یارد = به سوله هایی که شرکت نفت در ادارات ساخته بود اطلاق می شده است (YARD).
- یارد = واحد طول رایج در انگلیس که معادل سه فوت یا حدود ۹۰ سانتیمتر است.
- یونیت = واحد ، به بخشهای مختلف می گفتند (UNIT).
- یونین = با کسره ی دومین حرف ی ، مهره ماسوره یا قفل در لوله کشی (UNION).